

«عبقات الأنوار» و علامه میر حامد حسین

مصطفی سلیمی زارع*

چکیده

در عرصه کلام شیعی بویژه امامت، که بن‌مایه و وجه تمایز این فرقه با دیگر فرقه‌های اسلامی به شمار می‌رود، ردیه‌های بسیاری از سوی مخالفان شیعه نگاشته شده که سعی در تخریب این مذهب داشته‌اند. از جمله این افراد که با بن‌مایه عصیبت و با تحریک استعمارگران زمانه، به اصول مذهب شیعه، خصوصاً امامت هجوم آورد، مولوی عبد العزیز دهلوی با اصالتی هندی بود که در ردّ شیعه کتابی به نام **تحفة اثنی عشریه** نوشت. باب هفتم این کتاب، در بر دارنده اشکالاتی بر آیات و احادیثی است که شیعه برای امامت امیر المؤمنین □ اقامه می‌کند. بر ضد این اثر، عالمی وارسته و متکلمی متبحر از سادات موسوی، از همان دیار هند، با نگارش پاسخی مفصل و کوبنده، از مذهب تشیع دفاع نمود. او کسی نبود جز علامه میر حسین کنتوری. در این مقاله، سعی می‌کنیم روش میر حامد حسین را در پاسخ به کتاب پیش گفته بررسی کنیم.

کلید واژه‌ها: عبقات الأنوار، علامه میر حامد حسین، حدیث ثقلین، صاحب عبقات و صاحب تحفه.

در باره مؤلف

میر حامد حسین، در سال ۱۲۴۶ هجری در شهر «میرتهه»، یکی از شهرهای هند، پا به عرصه گیتی گذاشت. از خاندان موسوی بود که از جانب پدرش، سید محمد قلی (م ۱۲۶۰ ه) با ۲۷ واسطه به امام موسی بن جعفر □ می‌رسید. خاندانش همگی از اهل علم و زهد و تقوا بودند. اصالت این خاندان، از نیشابور بود که یکی از اجدادش در قرن هفتم به سبب حمله مغول، به هندوستان هجرت کرد و در شهر «کنتور» رحل اقامت افکند.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم حدیث، گرایش تفسیر اثری، دانشکده علوم حدیث شهر ری.

میر حامد حسین، دروس علوم اسلامی را نزد بزرگان خود، سید مرتضی، خلاصه العلماء، سید محمد سلطان العلماء، سید عباس شوشتری و... فرا گرفت و سرانجام در سال ۱۳۰۶ هجری رحلت کرد.

جامعه‌ای که میر حامد حسین در آن می‌زیست، در چنگال استعمارگران انگلیس بود که از هر فرصتی برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان دریغ نمی‌ورزیدند. در چنین شرایطی، سید محمد قلی خان (پدر میر حامد حسین) و خود میر حامد حسین، پیوسته در پی پاسخ‌گویی به شبهات دانش‌مندی بودند که از سوی استعمارگران تحریک شده بودند (گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۷۶). از جمله آثار میر حامد حسین می‌توان کتب زیر را بر شمرد:

۱. استقصاء الفحاح؛ پاسخی به کتاب منتهی الکلام، از حیدر علی فیض‌آبادی حنفی؛
۲. سوارق النصوص (۵ جلد در علم کلام)؛
۳. افحاح أهل الیمن؛ ردی بر کتاب ازالة الغین، از حیدر علی فیض‌آبادی حنفی؛
۴. أسفار الأنوار؛
۵. كشف المعضلات فی حلّ المشكلات؛
۶. النجم الثاقب فی مسئله الإرث؛
۷. الدرر السنیة فی المکاتیب و المنشآت العربیة؛
۸. الذرایع فی شرح الشرایع، از محقق حلی؛
۹. زین المسائل الی تحقیق المسائل (در باره مسائل فقهی و گوناگون)؛
۱۰. الغضب البتار فی مبحث آیه الغار؛
۱۱. عبقات الأنوار فی امامة أئمة الأطهار □.

در باره کتاب «عبقات الأنوار»

همان گونه که پیش‌تر گفته شد، اثری که در پاسخ به شبهات یکی از کتب مخالفان، بر خامه قلم علامه میر حامد حسین است، کتاب عبقات الأنوار فی امامة أئمة الأطهار □ است. این کتاب در رد کتاب تحفة إثنی عشریه به گونه‌ای تفصیلی و در خور، پاسخ‌گوی خدشه‌های مولوی عبد العزیز دهلوی نگاشته شده است.

پیش از پرداختن به کتاب عبقات الأنوار بایسته است اندکی از ساختار و شیوه تألیف کتاب تحفة إثنی عشریه سخن به میان آید تا ارزش کار علامه میر حامد حسین بیشتر نمایانده شود. تحفة إثنی عشریه، یا حمایت استعمارگران انگلیس، در آغاز بدون نام مؤلف، چاپ شد ولی در چاپ بعدی، نام مؤلف نیز به صراحت درج شد. این کتاب، تماماً به انگیزه ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی تألیف شد (خلاصه عبقات الأنوار، ج ۱، ص ۱۵۸).

کتاب **تحفة اثنی عشریه** در اوایل سده سیزدهم هجری به نام مستعار «غلام حلیم» در ابتدا به زبان فارسی و بعدها چندین بار به عربی چاپ شد.

موضوع این کتاب، نقد میان‌ی شیعۀ اثنای عشری و به روش کلام نقلی نگارش یافته است. مؤلف، در دیباچۀ کتاب تصریح می‌کند که ملتزم است آن چه را نقل کند که مسلم و قطعی است و بر آن اتفاق نظر وجود باشد. اما این که تا چه حد بر این گفته ثابت قدم بوده، باید در مقام عمل جویا شد.

صاحب **عبقات** به ردّ این کتاب پرداخته و احادیثی که توسط دهلوی نقد شده را از نظر سند و متنی پاسخ می‌دهد. افزون بر این، ظهور آیات مورد مناقشۀ او را نیز اثبات می‌کند و این همه را بر پایه کتاب‌های عامّه و کلمات و سخنان عالمان آن‌ها به سرانجام می‌رساند.

البته این نکته یادکردنی است که آیه الله میلانی بر این باور است کتاب **تحفة اثنی عشریه**، ترجمۀ فارسی کتاب **الصواعق** نصر الله کابلی است که توسط او به سرقت رفته و منتشر کرده است (همان جا).

در بارۀ ساختار کتاب **تحفة اثنی عشریه** باید گفت که این کتاب، در دوازده باب، به زبان فارسی، به قرار زیر سامان یافته است:

باب اول: تاریخ حدیث شیعه؛

باب دوم: مکائد شیعه؛

باب سوم: گذشتگان و کتب شیعیان؛

باب چهارم: راویان شیعه و روایات آن‌ها؛

باب پنجم: الهیات؛

باب ششم: نبوت؛

باب هفتم: امامت؛

باب هشتم: معاد؛

باب نهم: مسائل فقهی؛

باب دهم: مطاعن شیعه؛

باب یازدهم: اوهام، تعصبات و هفوات؛

باب دوازدهم: ولاء و براء.

با انتشار این کتاب، ردیه‌های گوناگونی از سوی عالمان شیعه به سوی آن گسیل شد. گروهی بر یک یا چند باب آن و گروهی دیگر بر تمام کتاب، ردیه نوشتند:

۱. علامه میر حامد حسین، از عالمانی بود که تنها بر باب هفتم این کتاب که در بارۀ امامت بود، ردیه نوشت. عالمانی دیگر نیز بر این باب پاسخی نوشتند. از جمله این افراد:

۲. سیّد دل‌دار علی نقوی نصیرآبادی، صاحب **خاتمة الصوارم**.
۳. سیّد محمد بن سیّد دل‌دار علی، ملقب به سلطان العلماء (م ۱۲۸۴ هـ) که صاحب دو اثر، یکی به عربی و دیگری به فارسی، به نام **البوارق الموبقه**.
۴. سیّد جعفر ابو علی خان بن غلام علی موی بنارسی، صاحب **برهان الصادقین**.
۵. والد صاحب **عبقات**، سیّد محمد قلی، صاحب **برهان السعادة**.
۶. سیّد مفتی محمد عباس موسوی تستری جزائری (م ۱۳۰۶ هـ)، استاد صاحب **عبقات**، صاحب **الجواهر العبقریة** (ر.ک: **تراثنا**، ش ۱، ص ۱۲۴).

جایگاه کتاب نزد بزرگان

عالمان بسیاری، این کتاب و روش آن را ستوده‌اند. علامه بزرگ شیعه، صاحب **الغدیر**، علامه امینی، در باره جایگاه **عبقات الأنوار** می‌گوید:

بوی دل‌پذیرش در تمامی جهان پیچیده و آوازه‌اش از باختر تا خاور را گرفته است. هر کس آن را دیده دانسته که کتاب اعجاز‌آمیز روشن‌گری است که هیچ باطلی در آن راه ندارد و من در نوشتن **الغدیر** از دانش‌های با ارزش نهفته در آن بهره‌ فراوان بردم (**موسوعة الغدیر**، ج ۱، ص ۳۲۲؛ **پژوهش‌های حوزه**، ش ۳، ص ۱۲۴).

در باره عظمت کار صاحب **عبقات** و جایگاه کتاب وی، همین بس که بدائیم بعد از چاپ کتاب **تحفة اثنی عشریه**، هر کتابی در رد آن نوشته شد، از سوی پیروان مولوی عبد‌العزیز دهلوی، هم‌چون حیدر علی فیض آبادی، محمد رشید الدین دهلوی و... پاسخ داده می‌شد، ولی با ظهور ردیه علامه میر حامد حسین، کسی قدرت پاسخ‌گویی به آن را نداشت و تا کنون شنیده نشده است که کتابی در رد **عبقات الأنوار** از ناحیه مخالفان نوشته شده باشد و این نشان از قوت کار میر حامد حسین و عجز مخالفان در پاسخ به آن دارد (**خلاصه عبقات الأنوار**، ج ۱، ص ۱۲۸).

کارهای صورت گرفته بر «عبقات الأنوار»

۱. نخستین تحقیق در مورد کتاب **عبقات الأنوار**، از سوی مولانا بروجردی در سال ۱۴۰۴ هجری صورت گرفت. طبق گفته محقق، آن چه سبب شد تا او دست به چنین کاری زند، چاپ پر غلطی بود که حدود یک صد سال پیش از آن شده بود که نیاز مبرم به تصحیح و تحقیق داشت (**عبقات الأنوار فی امامة ائمة الأطهار**، ج ۱، ص ۱۶). همین کتاب، در سال ۱۴۱۶ هجری توسط سیّد محسن امین عاملی، تعریب شد و با چاپی منقح از سوی دفتر انتشارات اسلامی به زیور طبع آراسته گردید.

۲. دومین کار، از سوی آیه الله میلانی انجام شد. از آن جا که اصل کتاب به زبان فارسی رایج قرن سیزدهم در هندوستان نوشته شده، استفاده از آن برای فارسی‌زبانان امروزی و

عرب‌زبانان آسان نبود. از این رو، آیه الله سید علی میلانی در جهت عمومی‌تر کردن آن، دست به تعریب آن زد و نام آن را **خلاصة عبقات الأنوار** نهاد (خلاصة عبقات الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۵. ایشان برای تعریب این اثر در سال ۱۳۸۵هـ، یعنی حدود پنجاه سال پیش، علی‌رغم مشکلات فراوان، برای یافتن مصادر و منابع آن، سفرهایی را آغاز کرد). کارهای منسجم‌تری از سوی ایشان روی کتاب **عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ** صورت گرفته است که نیازمند توضیح بیشتری است.

در این اثر جدید، ترتیب احادیث مورد بررسی، با اصل کتاب متفاوت است. به این شرح که در مجلد اول، به حدیث ثقلین پرداخته، در حالی که این حدیث در اصل کتاب در مجلد دوازدهم قرار داشت. و سپس مجلدات مربوط به احادیث دیگر، تعریب و خلاصه شده است.

گفتنی است که آیه الله میلانی افزون بر تعریب، به تحقیق، تعلیق و تنظیم آن نیز همت گماشت. ایشان در تعریب این اثر، سعی بر حفظ لطائف و دقایق عبارات دارد. در تحقیق، یافتن نشانی دقیق عبارت در مصادر، در صورت چایی بودن آن، مورد توجه بوده است. در صورت خطی بودن مصادر نیز بدان اشاره شده است. البته چایی یا خطی بودن برخی از مصادر، نا معلوم بوده است که به خاطر هندی بودن این مصادر، تکمیل آن‌ها به تحقیقات بعدی موکول شده است. (از آن جا که صاحب **عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ** در مقام نقل و گزارش مطلبی، نام قائل آن را مستند به مصدر و کتاب آن شخص می‌کند، تا حدودی کامل‌تر شدن این تحقیق، ساده‌تر می‌شود).

ضمن تعریب این کتاب، رعایت نکاتی چند سبب تلخیص این اثر شده است:

۱. از آن جا که صاحب **عِبَقَاتُ** کتاب خود را به فارسی نوشته بود و در گزارش عبارات عربی، آن را نیز به فارسی ترجمه می‌کرد، لذا در تعریب آن، حجم بسیاری از کتاب به دلیل حذف عبارات‌های فارسی کاهش می‌یافت.

۲. از طرف دیگر، روش صاحب **عِبَقَاتُ** این بود که نام اشخاص و تألیفات آن‌ها را به صورت کامل بیان می‌کرد. مثلاً می‌گفت: «قال مجد الدین مبارک بن محمد، المعروف بابن اثير الجزري الشافعي، في جامع الأصول». در حالی که در این کتاب، نام این شخص به صورت زیر خلاصه شده است: «قال ابن اثير في جامع الأصول».

۳. در برخی از مجلدات، ذکر وصف راویان و دانش‌مندان، با اوصافی هم‌راه بود که چندین سطر را در بر می‌گرفت. در بخش دلالت‌ها نیز صاحب **عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ** بسیاری از وجوهی را که در مقام ردّ دعوا یا استدلال صاحب **تحفه** ذکر می‌کرد، با هم مشابه بودند و ادغام برخی از آن‌ها در یک‌دیگر به گونه‌ای که خلل و اشکالی در جوانب بحث وارد نیاید، ممکن بود و سبب تلخیص آن می‌شد (خلاصة عبقات الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۳).

در تعلیق این اثر، علاوه بر افزودن فوایدی در حاشیه و متن کتاب، ملحقاتی نیز در هر مجلد در باره سند اضافه شده است. این ملحقات، در باره اسامی راویان حدیث است که با مراجعه به

کتاب و مصادر دیگر به دست آمده است. گفتنی است که ملحقات مجلد حدیث ثقلین، به قلم سید عبد العزیز طباطبایی نوشته شده است (همان، ص ۱۷۴).

در باره تنظیم این اثر نیز باید گفت که ارزش تنظیم خلاصه عیقات الأنوار وقتی درک می شود که آشنایی اجمالی از عیقات الأنوار وجود داشته باشد. در این کتاب، برای هر موضوعی، فصلی و برای هر فصلی، عنوانی مختص به آن و برای هر بحث از بحث های موضوع نیز عنوانی اضافه شده است. و این علاوه بر ارقام و علائم فنی مختلفی است که معمولاً امروزه به کتاب اضافه می شود.

علاوه بر این فهرست های سه گانه که در پایان هر حدیث در مجلد این کتاب اضافه شده، سه فهرست دیگر در پایان هر حدیث در باره موضوعات، اعلام مترجمان و مصادر آن اضافه شده است. در آخرین مجلد کتاب، در جزء جداگانه ای، مصادر تحقیق، چاپ شده است (همان جا).

۴. آیه الله میلانی، تألیف دیگری نیز به نام *نفحات الأزهار فی خلاصه عیقات الأنوار* دارد. این کتاب، در حقیقت همان کتاب *خلاصه عیقات الأنوار* است. پیش تر گذشت که ایشان در کتاب *خلاصه عیقات الأنوار*، تحقیق بخشی از مصادر هندی را به زمانی دیگر موکول کرده بود. ایشان در کتاب *نفحات الأزهار*، این مصادر را تحقیق کرده و با چابی منقح تر از کتاب پیشین، در بیست جلد، در سال ۱۴۰۴ هجری به چاپ رساند. با چاپ این اثر، کتاب *عیقات الأنوار* علامه میر حامد حسین، به گستردگی در محافل علمی راه یافت و عمق کار میر حامد حسین بیشتر شناخته شد. آن چه نگارنده، از کار علامه میر حامد حسین برای آشنایی بیشتر با این اثر بررسی می کند، تنها مربوط به حدیث ثقلین می شود؛ چرا که بررسی تمام احادیث و مجلدات این کتاب، از حد و فراخور این مقاله خارج است.

ساختار کتاب

کتاب *خلاصه عیقات الأنوار*، همانند کتاب *تحفة اثنی عشریه*، در دو منهج، منهجی در باره آیات قرآن و منهجی در باره احادیث، سامان یافته است. در هر کدام از این دو منهج، ردیه های صاحب *تحفه* بر آیات و احادیث مورد استناد شیعه در امامت، پاسخ داده شده است.

منهج نخست که در باره آیات قرآن است، در مجلدی بزرگ نوشته شده که تا کنون چاپ نشده و در کتابخانه بزرگ مؤلف در شهر لکهنو در هندوستان، نگهداری می شود (*الذریعة الی تصانیف الشیعة*، ج ۱۵، ص ۲۱۴).

مؤلف، منهج نخست را به آیات زیر که از ناحیه عبد العزیز دهلوی مورد مناقشه قرار گرفتند اختصاص داده است:

۱. آیه ولایت: {إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ} (سوره مائده، آیه ۵۵).

۲. آیه تطهیر: { إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً } (سوره احزاب، آیه ۳۳).

۳. آیه اجر: { قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى } (سوره شوری، آیه ۲۳).

۴. آیه مباحله: { فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ } (سوره آل عمران، آیه ۶۱).

۵. آیه هاد: { إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ } (سوره رعد، آیه ۷).

۶. آیه سابقون: { وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ } (سوره واقعه، آیه ۱۰ و ۱۱).

اما منهج دوم که در باره احادیث است، بنا بر گزارش های موجود، سی جلد است که دوازده جلد آن در ایران و هندوستان چاپ شده است (گلشن/برار، ص ۳۷۶). مجلّدات کتاب عبقّات الأنوار، هر کدام به حدیث خاصی اختصاص یافته اند و گاهی چندین جلد مربوط به یک حدیث است که آن مجلّدات نیز به نام خود احادیث ثبت شده اند.

مجلّد اول: حدیث غدیر: «یا معشر المسلمین! ألسنت أولى بکم من أنفسکم؟ قالوا. بلی. قال: من کنت مولاه فعلىّ مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه».

مجلّد دوم: حدیث منزلت: «أنت منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبيّ بعدى».

مجلّد سوم: حدیث ولایت: «إنّ علیاً منى و أنا من علیّ، و هو ولیّ کلّ مؤمن من بعدى».

مجلّد چهارم: حدیث نبوی طبر: «کان عند النبیّ طائر قد طبخ له أو أهدى إليه. فقال: اللهم أنتنى بأحبّ الناس إليك يأكل معى هذا الطیر. فجاءه علیّ. اللهم أنتنى بأحبّ خلقک إليك و إلىّ يأکل معى فجاء علیّ».

مجلّد پنجم: حدیث باب علم: «أنا مدينة العلم و علیّ بابها».

مجلّد ششم: حدیث تشبیه: «من أراد أن ينظر إلى آدم فى علمه و إلى نوح فى تقواه و إلى ابراهیم فى حلمه و إلى موسى فى بطشه و إلى عیسی فى عبادته، فليتنظر إلى علیّ بن ابى طالب».

مجلّد هفتم: حدیث «من ناصب علیاً فهو کافر».

مجلّد هشتم: حدیث «كنت أنا و علیّ بن ابى طالب نوراً بین یدى الله قبل أن یخلق آدم بأربعة عشر - ألف عام، فلما خلق الله آدم، قسم ذلك النور جزئین، فجزء أنا و جزء علیّ بن ابى طالب».

مجلّد نهم: حدیث رایب (حدیث نبوی در روز جنگ خیبر): «لأعطين الراية غداً رجلاً يحب الله و رسوله و يحبه الله و رسوله یفتح الله على یدیه».

مجلّد دهم: حدیث نبوی خطاب به علیّ: «إنک تُقاتل على تأویل القرآن كما قاتلت على تنزيله».

مجلّد یازدهم: حدیث «رحم الله علیاً، اللهم أدر الحق معه حیث دار».

مجلّد دوازدهم: حدیث ثقلین: «إنى تارک فیکم الثقلین، ما إن تمسکتم بهما، لن تضلّوا بعدى أحدهما».

روش کتاب

الف. روش کلی کتاب

وی در منهج نخست کتاب که در باره بحث از آیات قرآن بود، با ردّ دلالت آیاتی از قرآن که امامت شیعه به آنها مستند است، سعی در تأویل آنها و خدشه‌دار ساختن دلالت آنها دارد. وی در این بخش، تنها به شش آیه بسنده می‌کند. در بخش دوم نیز به سند یا به دلالت دوازده حدیث مورد استناد شیعه در امامت، خدشه وارد ساخته و تلاش می‌کند معنایی جز معنایی که شیعه از آن برداشت کرده، ارائه کند (در باره این احادیث، در قسمت دیگری به معرفی آنها خواهیم پرداخت). مؤلف در این بخش، جمله جمله عبارات دهلوی را در باره این احادیث، با شواهد و مستندات، بررسی و نقد کرده است. به گونه‌ای که در برابر یک جمله دهلوی، گاه دست کم ده‌ها صفحه پاسخ‌های مستند نوشته است. نکته قابل ذکر آن است که این مستندات غالباً از خود منابع اهل سنت است.

ب. روش مؤلف در حدیث ثقلین

مؤلف در بحث حدیث ثقلین مطالبی را به ترتیب زیر ارائه می‌دهد:

بحث سندی

۱. خرده‌گیری بر شیوه استدلال صاحب «تحفه»

در این بخش، در ابتدا علامه میر حامد حسین بر شیوه استدلال دهلوی، خرده می‌گیرد که چرا در مقام استناد به حدیث ثقلین از میان نقل‌های فراوانی که از این حدیث وجود دارد، تنها به نقل «زید بن ارقم» اکتفا نموده و حتی روایت وی را نیز به صورت ناقص نقل کرده است.

در این بخش، میر حامد حسین برای نشان دادن این که این حدیث از زمان صدور، در طول قرن‌های متمادی، توسط افراد مختلف نقل شده، به ارائه گزارشی از نقل‌های حدیث ثقلین و نیز توثیق راویان آن از کتاب رجالی اهل سنت می‌پردازد. وی شمار این افراد را از قرن دوم تا سیزدهم به ۱۸۷ نفر می‌رساند.

از جمله نقدهای دیگری که علامه میر حامد حسین در این جهت بر صاحب تحفه می‌گیرد این است که چرا دهلوی نه تنها کوچک‌ترین اشاره‌ای به تواتر این حدیث نمی‌کند بلکه حتی به استفاضه آن نیز - در صورت عدم قبول تواتر آن - اشاره‌ای نمی‌کند. در این مورد، علامه میر حامد حسین گزارش‌های مختلف این حدیث را در کنار بیانی اجمالی از تراجم راویان آن را ارائه می‌کند و در پایان، تواتر این حدیث را نمایانده و اثبات می‌کند (همان جا).

۲. پاسخ به اشکالات وارد شده بر سند حدیث

در این بخش که در جلد دوم کتاب است، اشکال سه نفر از بزرگان اهل سنت، هم‌چون بخاری، ابن جوزی و ابن تیمیه، مطرح، و نقد و بررسی شده است.

به عنوان مثال، بخاری در تاریخ الصغیر در باره این حدیث می‌گوید:

قال احمد (بن حنبل) فی حدیث عبد الملك، عن عطية، عن أبي سعيد، قال النبي: تركت فيكم الثقلين... احاديث الكوفيين هذه مناكير.

میر حامد حسین، انتساب این سخن را به احمد بن حنبل توسط بخاری، بسیار غریب می‌داند؛ چرا که استاد او، احمد بن حنبل، این حدیث را به طرق گوناگون و به روایات متکثر در مسند خود، از زید بن ارقم، زید بن ثابت و ابوسعید خدری نقل می‌کند و نسبت جرح به احمد بن حنبل را با مدح‌هایی که در وصف او و کتاب وی آمده، بسیار عجیب دانسته و از هیچ روی قابل توجیه و تأویل نمی‌داند.

میر حامد حسین، برای اثبات ارزش و جایگاه مسند احمد بن حنبل، نخست به گزارش برخی بزرگان عامه در باره این کتاب می‌پردازد. یکی از افرادی که در باره این کتاب، مدحی به کار برده «قاضی القضاة سبکی» است. وی در باره جایگاه این کتاب می‌گوید:

هذا الكتاب - یعنی مسند الإمام أبي عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني - قدس الله روحه - أصل كبير و مرجع وثيق لأصحاب الحديث. إنتقى من أحاديث كثيرة و مسموعات و افره، فجعل إماماً و معتمداً، و عند التنازع ملجأ و مستنداً، على ما أخبرنا الوالدی و غيره... قال لنا حنبل بن إسحاق: جمعنا عمى - یعنی الإمام أحمد - لى و لصالح و لعبد الله و قرأ علينا المسند، و ما سمعه معنا - یعنی تماماً - غيرنا. و قال لنا: إن هذا الكتاب، قد جمعه و انتقته من أكثر من سبعائة و خمسين ألفاً، فما اختلف فيه المسلمون من حدیث رسول الله ﷺ فارجعوا إليه، فإن كان فيه و إلا ليس بحجة.

این کتاب، یعنی مسند امام ابو عبد الله احمد بن حنبل شیبانی، اصلی بزرگ و مرجعی موثق برای اصحاب حدیث به شمار می‌رود که مؤلف، آن را از میان احادیث و شنیده‌های بسیاری که نزد او مورد اعتماد بوده، گلچین کرده است. این، کتابی است که در مواقع اختلاف و تنازع، مرجع، معتمد و مورد استناد واقع می‌شود. بر اساس آن چه که پدرم و دیگران به من خبر داده‌اند، حنبل بن اسحاق گفت که عمویم (احمد بن حنبل)، من، صالح، و عبدالله را جمع نمود و مسند را بر ما قرائت کرد و هیچ کس جز ما آن را کامل نشنید. و سپس به ما گفت: این کتاب را از میان بیش از هفتصد و پنجاه هزار حدیث گلچین کردم و تدوین نمودم. در مواقع اختلاف در بین احادیث رسول خدا (برای رفع اختلاف) به آن مراجعه کنید، اگر در آن بود، حجت است و گر نه حجت نیست (ر.ک: همان، ص ۱۶).

میر حامد حسین در ادامه می‌گوید: «چگونه وجود حدیث ثقلین در کتابی که تا این حد از صحت سندی برخوردار است و در نگارش آن دقت تام به کار رفته و در هنگام اختلاف، مرجع حل اختلاف به شمار می‌رود، نمی‌تواند معتبر باشد؟ با این وصف، چگونه بخاری معتقد است که این حدیث، از احادیث منکر است؟»

در ادامه، میر حامد حسین با ذکر اقوال دیگری از کتب اهل سنت، مانند سیوطی، ثعالبی و از خود دهلوی (صاحب تحفه)، به توثیق احمد بن حنبل می‌پردازد. در پایان به عنوان نتیجه بیان می‌کند که برای هر صاحب خرد و هوشی روشن شد که نسبت «منکر بودن حدیث ثقلین» به احمد بن حنبل، دروغی بزرگ و ناشناخته و بهتانی بزرگ است: فقد ظهر لكل ذی تبّع و فطنة، أنّ نسبة كون حدیث الثقلین من الأحادیث المنکر الی الامام احمد بن حنبل، کذبٌ منکرٌ و بهتانٌ عظیمٌ (ر. ک: همان جا). در باره قحح ابن جوزی نیز می‌گوید که ابن جوزی در کتاب خود، العلل المتناهیه فی الأحادیث الواهیه این گونه آورده است:

حدیث فی الوصیه لعترته: أنبأنا عبد الوهاب الأنطاطی، قال: أخبرنا محمد بن المظفر، قال: أخبرنا أحمد بن محمد العتقی، ... عن أبي سعید، قال: قال رسول الله ﷺ: إني تارك فيكم الثقلین، كتاب الله و عترتی. و آنها لن یفترقا جمیعاً حتی یردا علی الحوض، فانظروا کیف تخلفونی فیها (همان جا).

ابن جوزی در باره این حدیث، صحت این حدیث را به دلیل تضعیف راویان آن از سوی احمد بن حنبل و یحیی بن معین، زیر سؤال برده است.

حدود چهل صفحه از کتاب خلاصه عبقات الأنوار، پاسخ به ابن جوزی است. وی ابتدا به نقل این حدیث از کتب صحیح اهل سنت پرداخته و توثیق بزرگان رجالی اهل سنت را از روایان آن حدیث را گزارش می‌کند. در پایان نیز نقل دیگری از این حدیث را از کتاب دیگر ابن جوزی به نام المسلسلات ارائه می‌کند که بر اعتقاد صحیح ابن جوزی بر صحت این حدیث، دلالت می‌کند.

در بخش سوم که «ملحق سند حدیث ثقلین» است، به قلم توانای سید عبد العزیز طباطبایی نگاشته شده است. وی در این بخش، تعداد ۱۲۶ راوی را نقل کرده و بر شمار راویان مذکور توسط علامه میر حامد حسین می‌افزاید. این راویان، از زمان صحابه شروع می‌شوند و تا قرن چهاردهم ادامه دارند.

بحث دلالی

صاحب عبقات، بحث دلالت این حدیث شریف را با مقدمه‌ای در باره الفاظ حدیثی که دهلوی نقل کرده، آغاز و بیان می‌کند که نقل زید بن ارقم، به سه شکل مطوّل، متوسط و موجز، نقل شده و

نقلی را که صاحب تحفه از زید بن ارقم گزارش می‌کند، تنها منحصر در اوست و هیچ‌کس بسان او نقل نکرده است: اختار اخصر الفاظ حدیث زید قاصداً بذلك، کتم فضل اهل البیت □ (ر. ک: همان، ج ۲، ص ۲۵۹).

این در حالی است که نقل زید بن ارقم، به صورت مبسوط‌تری نقل شده که فضیلت اهل البیت و حقانیت آن‌ها را اثبات می‌کند (همان جا). در این جا مقایسه نقل تحریف شده زید بن ارقم با آن چه در واقعیت از او نقل شده، خالی از لطف نیست. نقلی که دهلوی گزارش می‌کند بدین گونه است:

روایة زید بن ارقم عن النبی □: اِنِّي تارك فيكم الثقلين، ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا بعدي أحدهما أعظم من الآخر كتاب الله و عترتي (همان، ص ۸).

نقل مطول حدیث ثقلین، توسط زید بن ارقم را نسائی و حاکم نیشابوری، از حبیب بن اَبی ثابت، از اَبی الطفیل، از زید بن ارقم، بدین گونه است:

أخبرنا محمد بن المثني، قال: قال حدثنا يحيى بن حماد، قال: أخبرنا أبو عوانة، عن سليمان، قال: حدثنا حبيب بن أبي ثابت، عن أبي الطفيل، عن زید بن ارقم، قال: لما رجع رسول الله □ عن حجة الوداع و نزل غدیر خم، أمر بدوحات فقمين، ثم قال: كأنني دعيت فأجبت و أتى قد تركت فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله و عترتي أهل بيتي، فانظروا كيف تُخلفوني فيها، فإتها لن يفترقا حتى يردا على الحوض. ثم قال: إن الله مولاي و أنا ولي كل مؤمن. ثم أخذ بيد علي □ فقال: من كنت وليه، فهذا وليه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. فقلت لزید: سمعته من رسول الله □؟ قال: و إنه ما كان في الدوحات أحد إلا رآه بعينه و سمعته بأذنيه (همان جا، به نقل از خصائص، ص ۹۳).

سپس دلالت حدیث ثقلین بر امامت را به‌گونه‌ای مفصل بحث کرده و وجوه این دلالت را روشن می‌کند.

دلالت حدیث بر امامت اهل بیت □

دهلوی در باره دلالت حدیث ثقلین گوید:

و هذا الحديث لا علامة له بالمدعى أصلاً، لأنه لا يلزم أن يكون المتمسك به صاحب زعامة الكبرى.

میر حامد حسین با بیان و تحلیلی مفصل، زیبا و متکلمانه، پاسخ دهلوی را می‌دهد و روشن می‌سازد که «إن هذا الحديث يدل على ما يدعيه اهل الحق» و در طی مراحل زیر دلالت آن را روشن می‌سازد:

۱. دلالت مفاد حدیث بر وجوب پیروی

میر حامد حسین بیان می‌کند که وجوب پیروی از برخی انسان‌ها در تمامی حوزه‌های دین جز از کسانی که زعامت اعظم و کبری را نداشته باشد، ممکن نیست و حضرت امیر المؤمنین از جمله اشخاصی است که پیروی از او واجب است.

در ادامه و در مقام شرح حدیث، به بیان اقوال بزرگان و دانش‌مندان اهل سنت می‌پردازد. به عنوان مثال، در باره معنای تمسک به قرآن، گفته طیبی را در الکاشف نقل می‌کند:

و معنى التمسك بالقرآن العمل بما فيه و هو الاثبات بأوامره و الانتهاء عن نواهيه و التمسك بالعترة، محبتهم و الاهتداء بهداهم و سيرتهم؟

معنی تمسک جستن به قرآن، عمل به آن است. یعنی عمل به دستورات آن، اعم از انجام اوامر و پرهیز از نواهی آن و نیز تمسک جستن به محبت و هدایت و سیره اهل بیت است.

از جمله قرائن دیگری که علامه میر حامد حسین بر وجوب پیروی از مفاد حدیث اقامه می‌کند، عبارت‌اند از:

بحث‌هایی در باره: الفاظ حدیث ثقلین همچون «ثقلین»، «الأخذ» و لفظ «الاتباع» در برخی نقل‌ها و گزارش‌ها؛ عدم افتراق و جدایی قرآن و عترت از یک‌دیگر؛ امر و تأکید پیامبر به تمسک و توجه به اهل بیت به عنوان لازمه هدایت و عدم گمراهی مسلمانان؛ و...

میر حامد حسین از باب «الفضل ما شهد به الاعداء»، با ارائه شواهدی از خود اهل سنت، دلالت این حدیث را بر وجوب پیروی از اهل بیت همچون پیروی از قرآن اثبات می‌کند.

۲. دلالت لفظ «الخلافة» بر امامت (برای تفصیل بیشتر، ن.ک: همان، ص ۲۶۹ - ۳۳۲)

بر اساس برخی از گزارش‌های رسیده، پیامبر بارها از قرآن و عترت، با تعبیر «خليفة» یاد می‌کند. این تعبیر در برخی از نقل‌های حدیث ثقلین، همچون نقل احمد بن حنبل، بخاری و زرقانی و... نیز وجود دارد. نقل این تعبیر از رسول خدا در احادیث دیگر، جای هیچ‌گونه شکی در دلالت حدیث ثقلین بر حضرت امیر المؤمنین باقی نمی‌گذارد.

به عنوان مثال، نقل احمد بن حنبل این‌گونه است:

حدَّثنا الأسود بن عامر، ثنا شريك، عن الركين، عن القاسم بن حسان، عن زيد بن ثابت، قال: قال رسول الله ﷺ: إني تارك فيكم خليفتين، كتاب الله، حبل ممدود ما بين السماء والأرض أو ما بين السماء إلى الأرض، وعترتي، أهل بيتي، وإتّهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض» (خلاصة عيقات الأنوار، ج ١، ص ٣٣).

در بخش پایانی، مخالفان برای اثبات مدّعی خویش، به احادیث زیر متمسک شدند و علامه میر حامد حسین به یکایک آن‌ها پاسخ می‌دهد:

١. «عليكم بسنتي و سنته خلفاء الراشدين المهديين».

٢. «خذوا شطر دينكم عن الحميراء (عائشة)».

٣. «اهدوا بهدي عمار».

٤. «تمسكوا بعهد ابن أم عبد: رضيت لكم ما رضی به ابن أم عبد».

٥. «أعلمكم بالحلال و الحرام، معاذ بن جبل».

٦. «اقتدوا باللذين من بعدي (أبي بكر و عمر)».

٧. «أصحابي كالنجوم».

٨. و به روایت حضرت علیؑ: «إنما الشورى للمهاجرين و الأنصار».

از بین این احادیث، تنها به شیوه پاسخ‌دهی علامه به یکی از این احادیث می‌پردازیم و خوانندگان را برای تفصیل بیشتر به خود کتاب ارجاع می‌دهیم.

علامه به حدیث «عليكم بسنتي و سنته الخلفاء الراشدين المهديين من بعدي تمسكوا بها و عضوا عليه بالنواجذ»، در قالب پاسخ‌های زیر می‌پردازد:

اولاً، این حدیث، از متفردات عامّه است.

ثانیاً، ذکر این حدیث، با مبنای خود دهلوی مبنی بر التزام او به نقل مطالب (اصول مذهب شیعه) از کتب معتبر شیعه، منافات دارد.

ثالثاً، با فرض قبول موارد فوق، راویان این حدیث در نزد رجالیان اهل سنت، مجروح و مطرود است و حتی شیخین، بخاری و مسلم نیز آن را در کتب خود نیآورده‌اند (همان جا).

میر حامد حسین در ابتدا تک تک راویان این حدیث را با استناد به کتب رجالی اهل سنت، ضعیف یا مجهول می‌شمارد. و پس از بحث سندی در باره این حدیث، بیان می‌دارد که منظور از «خلفاء» در این حدیث، «ائمه اثنی عشر» هستند. همان گونه که در برخی از احادیث وارده از سوی پیامبر اکرم ﷺ از «ائمه اثنی عشر» تعبیر به «خلفاء» شده است. به عنوان مثال، پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی می‌فرماید:

من أحبّ أن يركب سفينة النجاة ويستمسك بالعروة الوثقى ويعتصم بحبل الله المتين، فليوالِ علياً بعدى و يعادِ عدوه، وليأتهم بالأنمة الهداة من ولده، فإتهم خلفائى و أوصيائى و حُجج الله على خلقه بعدى و سادة أمتى و قادة الأتقياء إلى الجنة، حزبههم حزبى و حزبى حزب الله و حزب أعدائهم حزب الشيطان (همان، ج ۲، ص ۲۵۸).

پاسخ به شبهه عام عترة

دهلوی در مقام معارضه می‌گوید: «عترة، در لغت به معنای اقارب و خویشاوندان است و وجوب تمسک بر امامت، مستلزم امام بودن تمامی اقارب پیامبر □ همچون عبد الله بن عباس، محمد بن حنفیه، زید بن علی، و... است».

علامه میر حامد حسین نیز در مقام دفع این شبهه، با استناد به قول لغت‌پژوهانی هم‌چون جوهری، ابن اثیر، ابن منظور، سیوطی، زبیدی و... نشان می‌دهد که مراد از «عترة» تمام اقارب و خویشاوندان نیست، بلکه تنها خویشاوندان خاص و نزدیک را شامل می‌شود. و نیز از طرف دیگر، بیان می‌کند که حدیث ثقلین دو ویژگی را بر می‌شمارد و آن را مختص اهل بیت □ می‌داند؛ یکی عصمت و دیگری علمیت، که دیگران از این دو ویژگی محروم‌اند و همین ملاک تمایز است (همان، ص ۳۶۸).

پیشگام

کتاب‌نامه

- الذریعة الى تصانیف الشیعه، آقا بزرگ تهرانی، تهران: دار الکتب العلمیة، دوم، ۱۳۸۴ هـ.
- خلاصة عبقات الأنوار، سیّد علی حسینی میلانی، قم: مؤسّسة الرسالة، ۱۴۰۵ هـ.
- عبقات الأنوار فی إمامة ائمة الأطهار، میر حامد حسین کنتوری، تحقیق: مولانا بروجردی، قم: سیّد الشهداء، ۱۴۰۴ هـ.
- گلشن ابرار، جمعی از پژوهش‌گران، قم: پژوهشکده باقر العلوم.
- موسوعة الغدير، سیّد عبد الحسین امینی، قم: مؤسّسة دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۴ هـ.

مقالات

- «معرفی کتاب عبقات الأنوار و میر حامد حسین»، محمّد رضا حسینی جلالی، پژوهش‌های حوزه، ش ۳.
- «موقف الشيعة من هجمات الخصوم و خلاصة عن عبقات الأنوار»، سیّد عبد العزیز طباطبایی، تراثنا، قم: مؤسّسة آل البيت، ش ۱.

